

کارکرد ادبیات در تبیین و تبلیغ آیین مانوی

ساجده علیا

باشگاه نخبگان و پژوهشگران جوان - دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان های باستانی Sjd_olya@yahoo.com

چکیده

گسترش آیین مانوی از ایران تا دورترین نقاط مغرب‌زمین، نفوذ و تاثیر چشمگیر آن طی قرون سوم تا هفتم میلادی و انتشار تعالیم مانوی، مدیون ویژگی‌های ارزشمندی است که مانوی و پیروان اش به نیکی از آن برخوردار بوده‌اند. برجسته‌ترین ویژگی را می‌توان بهره‌گیری از ادبیات با دو رویکرد هنری و معنایی آن دانست.

پژوهش و نگرش در آثار به جا مانده از مانوی و مانویان، اندیشه‌های را هویدا می‌سازد که بر بنیان آن، مانوی خود را نیازمند قدرتی می‌داند تا حرکت او را در راستای تبیین و تبلیغ آیینش، سرعت و توان بخشد. این قدرت همان ادبیات است که قادر است در روح انسان اثر کند و بر سرعت حرکت، زیبایی آفاق، آرامش و استقرار روح بیافزاید. روح انسان، مشتاق عروج به قله‌های والایی و بلندمرتگی است و ادبیات مسیر این عروج را مهیا می‌سازد.

از این‌روست که در آثار مانوی و مانویان، اشعار و سروده‌هایی را در حوزه آیین و عرفان مانوی شاهد هستیم که سرشار از صنایع ادبی به منظور درک بهتر و بیشتر مفاهیم و تعالیم مانوی هستند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ادبیات، هنر سخنوری و موسیقی نقش تعیین‌کننده‌ای در انتشار دعوت مانوی، نفوذ و گسترش مفاهیم مانوی داشته است.

واژگان کلیدی: مانوی، آیین مانوی، ادبیات، متون مانوی، صنایع ادبی

مقدمه

مانویت یکی از دو جنبش مهم^۱ در ایران ساسانی است که در اوایل سده سوم میلادی پدیدار شد و از همان آغاز در ایران از سوی زردشتیان سنتی با مخالفت روبرو شد و هنگام اشاعه و گسترش خود در روم نیز مسیحیان ارتدوکس با آن به ستیز برخاستند. در آن روزگار مانوی آیینی ترکیبی را به جهان معرفی کرد که حاصل مطالعه او در دین‌های ایرانی، بودایی و سامی بود. مانوی هم از جهت خانوادگی و هم از نظر اجتماعی وسعت نظر و روشن بینی داشت و این دیدگاه وسیع در آیین وی نیز تجلی یافت و سبب شد که تعلیمات او در اندک زمانی فراگیر شود (میرفخرایی، ۱۳۸۷: ۷). مانوی و پیروان او، برخلاف زردشتیان، به نوشتن کتب و رسالات اعتقاد و علاقه فراوان داشتند و این امر را یکی از وسایل عمده تبلیغ دین خود می‌دانستند. مانوی یکی از برتری‌های دین خویش را بر ادیان دیگر در داشتن آثار مکتوب به زبان‌های متداول مختلف می‌دانست (تفضلی، ۱۳۸۶: ۳۳۳) و انتشار این آثار به زبانی ادبی نه تنها یکی از علل پیشرفت سریع این دین بود بلکه کوشش مانوی و پیروان مکتب مانوی سبب شد تا مجموعه‌ای پربار از آثار زبانی و ادبی مانوی فراهم شود و به ادب فارسی نیز غنایی عظیم بخشد (میرفخرایی، ۱۳۸۷: ۸).

۱ - مانوی و آموزه‌های او

مانوی در روز هشتم ماه نیرسان بابلی، به سال ۵۲۷ گاه‌شماری سلوکی، برابر با ۱۴ آوریل ۲۱۶ م. در خانواده‌ای اشکانی تبار، در جنوب شرقی تیسفون، در ساحل شرقی دجله در استان اسورستان، واقع در بین‌النهرین، چشم به جهان گشود (بهار و اسماعیل پور ۱۳۹۴: ۲۵).

در سال ۲۲۸ م. هنگامی که مانوی هنوز کودک بود، نخستین وحی را از روحی که خود را «توم»^۲ می‌نامید، دریافت کرد. این روح یا همزاد، حقایق الهی دین را به مانوی آموخت. حدود دوازده سال بعد، سال‌های آخر پادشاهی اردشیر، همزاد دوباره بر مانوی آشکار می‌شود و او را به اعلام حقایقی که آموخته است، فرامی‌خواند. (میرفخرایی ۱۳۸۷: ۱۳) مانوی نخست، این حقایق را بر پدر و پیران خاندان خویش آشکار نمود، پس از آن با کشتی برای تبلیغ دین خود به هندوستان سفر کرد (بویس ۱۳۸۶: ۱۲).

گسترش دین مانوی به سوی شرق در زمان حیات مانوی و هنگامی آغاز شد که شاپور اول او را از شاهنشاهی خود تبعید کرد و مانوی به آسیای مرکزی و ترکستان شرقی رهسپار شد و به تبلیغ دین خود پرداخت. انتشار دین مانوی در غرب، در امپراطوری روم و بیزانس رخ داد و جهان غرب را

^۱ جنبش دیگر، مزدکی است.

^۲ توم از taumā سریانی است و معنایش قرین است (ابن ندیم ۱۳۹۰: ۱۶).



به سوی خود جلب کرد. دین مانی به سرعت در سوریه و مصر و در طول ساحل مدیترانه‌ای آفریقای شمالی گسترش یافت و در روم، اسپانیا و جنوب گل نفوذ کرد (میرفخرایی، ۱۳۸۷: ۱۹).

مانی در بنیاد اندیشه‌اش مروج آیین گنوسی^۱ است، اما برخلاف گنوسی‌ان پیش از خود، بن‌مایه‌هایی مهم از دین زردشت، بودا و مسیح را به آیین خویش افزود و رنگی تازه و دینی به آن بخشید. گنوسی‌ان پیش از او، چون مرقیون^۲، باسیلیوس^۳ و والنتینوس^۴ همگی در شمار فرقه‌هایی گنوسی مسیحی بودند و بیشتر گرایش عرفانی داشتند و آرای آنها برای خواص بود، در حالی که مانی آیینی نو آورد و گرایش عرفانی را به دینی مبدل کرد که قرن‌ها دوام یافت (آلبری، ۱۳۷۵: ۱۱).

در دین مانی، اعتقاد به دو اصل جاودانی وجود دارد، نور (یا روح) و تاریکی (یا ماده). جهان کنونی از کنش و واکنش‌ها میان این دو تشکیل شده است و زاپیده نبرد میان تاریکی و نور است که به پراکندگی پاره‌های نور منجر شده و انتشار گوهر مینوی و محبوس ماندن آن در ماده، منجر به زندانی شدن روح در قفس تن گشته است. (راسخی، ۱۳۸۰: ۱۷۰)

در اساطیر مانوی سه زمان وجود داشت: ۱. زمان پیشین ۲. زمان میانی ۳. زمان پایانی. در زمان پیشین، زمین و آسمان وجود ندارند و تنها تاریکی و روشنی جدای از هم به سر می‌برند. در زمان میانی، تاریکی و روشنی درگیر پیکار می‌شوند و تاریکی بر روشنی چیره می‌گردد و در زمان پایانی این پیکار پایان می‌گیرد و به حالت نخستین بازمی‌گردد (دکره، ۱۳۸۳: ۹۵). مؤمنان در کیش مانی دو درجه بودند: برگزیدگان یا صدیقان و شنوندگان (سماعون، نیوشاگان) یا تازه‌مؤمنان. مانی ده حکم را بر شنوندگان واجب می‌شمرد: ترک بت‌پرستی، ترک دروغ‌گویی، ترک بخل و خسیسی، پرهیز از آدم‌کشی، خودداری از زنا، دزدی نکردن، عدم توکل به علم اسباب و علل، ترک جادوگری، پرهیز از دورویی، پرهیز از سستی و غفلت در انجام تکالیف. اما برگزیدگان که باید همیشه در خدمت امر مقدس روشنی باشند، باید تجرد را برای همیشه بپذیرند، و قاعده «سه مهر» را رعایت کنند و آن سه مهر عبارتند از: مهر دهان، که مربوط به شیوه گفتار و قواعد مربوط به تغذیه است و پاک‌ی فکر و گفتار؛ مهر دست، اجتناب از ماده و آنچه مربوط به ماده است، خودداری از بی‌حرمتی به مقدسات، خودداری از ریختن خون حیوانات و جنگیدن و حتی خودداری از مشاغل اجتماعی و کارهای کشاورزی و پرهیز از هر عملی که به جان حیوانات و نباتات آسیب رساند؛ و مهر دل (یا آغوش)، که خودداری از ازدواج و برگزیدن تجرد است (ابن‌ندیم، ۱۳۸۱: ۵۹۲).

به عقیده مانویان بدی همیشه بوده و همواره خواهد بود. مانی وجود انسان و موجودات دیگر را آمیخته‌ای از خوبی و بدی می‌دانست؛ و معتقد بود آدمی را نجات‌دهنده لازم است و زمانی انسان به نجات ابدی دست می‌یابد که از تمام تیرگی‌های نفس و گناهان پرهیز کند. اساس تعلیمات مانی بر دو بن‌انگاری و رزم دائمی میان نور و ظلمت، خیر و شر و اهورامزدا و اهریمن بود. مانی ویژگی اصلی روح را خیر و فضیلت، و سرشت جسم را شرارت می‌دانست. به عقیده مانویان بخش عمده نور اسیر ظلمت، در وجود انسان جمع است و این نور پیوسته به وسیله تناسل از جسمی به جسم دیگر انتقال می‌یابد، از این‌رو تنها راه تقوا و فضیلت، ترک این دنیاست. سرانجام گردش عالم از نظر مانویان جدا شدن ذرات نور حبس شده در ظلمت است. طبق عقاید نجات‌شناسی مانوی ارواح پاک و اجزای نور که در وجود انسان‌ها و در زمین خاکی محبوس مانده پس از مرگ آنها به ماه می‌رود و تا پانزده روز ماه نمو می‌کند و آنگاه ارواح که در ماه هستند توسط خورشید تصفیه می‌شوند و در ستون عظمت جمع می‌گردند و بدین‌گونه نور ماه پانزده روز کاسته می‌شود (جعفری، ۱۳۹۴: ۵).

اهم مراسم و مناسک مانوی با گزاردن نماز، خواندن سرودهای نیایش، مطیع کردن جسم با روزه‌داری و اعتراف به گناهان صورت می‌گرفت. برای برگزیدگان هفت‌بار نماز و برای نیوشایان روزانه چهاربار نماز واجب بود. مانویان این نمازها را هنگام روز به سوی خورشید و هنگام شب به سوی ماه برجا می‌آوردند و در این نمازها افزون بر یکایک خدایان مانوی از تربع مانویت، یعنی از «خدا، روشنایی، قدرت و خرد» نیز استمداد می‌جستند. در طول سال، پنج روزه دو روزه داشتند و این پرهیز عمومی، یادآور ۲۶ روز رنج کشیدن مانی در زندان و دو روزه آخر ماه به یاد درگذشت او بوده است. در سی‌امین روز از همین ماه، جشن «بما» (=تخت) گرفته می‌شد که بزرگترین جشن تقویم مانوی شمرده می‌شود. در این جشن یک کرسی خالی در صدر مجلس برای مانی می‌نهادند و تصویری از مانی بر روی آن قرار می‌دادند. (بویس، ۱۳۸۶: ۲۶) سپس مانویان به گناهان خود اعتراف می‌کردند و سرودهای خاص این جشن را می‌خواندند. (میرفخرایی، ۱۳۸۷: ۳۹)

^۱ گنوس در اصل از واژه یونانی "gnosis" به معنای دانستن است. پیروان این آیین گمان داشتند که به حقیقت و کل حقیقت دست یافته‌اند. آنها معتقد بودند که حقایق الهی فقط بر ایشان آشکار شده و این حقیقت الهی در اصل در زمان‌های گذشته به نحوی اسرارآمیز بیان شده است و از طریق افرادی ویژه که به دانستن آن تشریف یافته بوده اند، نسل به نسل منتقل شده است. (بهار، ۱۳۸۷: ۷۴)

^۲ مرقیون Marcion یکی از بنیان‌گذاران آیین گنوسی که میان خدای ناشناخته و یک خدای فرو پایه‌تر که آفریننده جهان مادی بود، فرق می‌گذاشت (بهار، ۱۳۸۷: ۱۱۳)

^۳ رهبر مکتب گنوسی در اسکندریه Basilides (بهار، ۱۳۸۷: ۱۱۲)

^۴ بنیان‌گذار مکتب گنوسی در اسکندریه Valentine (بهار، ۱۳۸۷: ۱۱۳)

۲ - ادبیات و گسترش آیین مانوی

ادبیات جلوه‌گاه اندیشه، آرمان، فرهنگ و تجارب و روحيات یک جامعه است. انسان‌ها در گذر زمان، از زبان ادبی برای انتقال بهتر پیام‌ها، عواطف و اندیشه‌های خود بهره گرفته‌اند. ادبیات، در تلطیف احساسات، پرورش ذوق و ماندگار کردن ارزش‌ها و اندیشه‌ها سهمی بزرگ و عمده بر دوش داشته و به همین دلیل هر اندیشه‌ای که در آثار برجسته ادبی جای گرفته، عمر جاودانه یافته است. هیچ شاخصی از فرهنگ و تاریخ عمومی ملت‌ها، به میزان و اندازه ادبیات آنان، همگون و همسان با ایشان نیست. از سوی دیگر دین و دینداری نیز همواره از جایگاه و توجه ویژه‌ای در جوامع بشری برخوردار بوده است و این موقعیت برتر دین، الزاماتی را نیز برای دینداران پدید آورده است. از جمله کشف یا تبیین نسبت میان دین و مقولات متنوع بشری، مانند علم، فرهنگ، صنعت، ادبیات و زندگی. از منظری دیگر گرایش زیباخوانانه فطرت، انسان را در کمترین زمان ممکن با تصویر دین در قاب ادبیات مأنوس و دل‌بسته می‌کند. (میر عارفین، ۱۳۸۸: ۲۱۴)

تاریخ نشانگر این واقعیت است که در اکثر جوامع نخستین طبقه‌ای که به امور روحانی اشتغال داشته، پیش‌تر و بیشتر به خلق آثار ادبی پرداخته است. (زرین کوب، ۱۳۸۲: ۶) چراکه دریافت انوار دین از دریچه ادبیات، با ذوقی سرشار بر جان انسان خواهد نشست. ادبیات با دو کارکرد ویژه خود بستر مناسبی را برای تبلیغ آموزه‌های دینی فراهم می‌آورد. نخست کارکرد هنری آن است و دوم رویکردهای محتوایی. ادبیات در شکل و محتوا، همسویی‌های فراوانی با دین دارد و به همین دلیل از بیشترین آمادگی برای آمیزش با آموزه‌های دینی برخوردار است.

مانی نیز با وسعت نظر ویژه خود، این مهم را به خوبی درک کرده و با توسل به ادبیات و صنایع ادبی و بهره‌گیری از هنر والای شعر و موسیقی مسیر تبلیغ و تبیین دین خویش را هموار ساخته و به آموزه‌های دینی‌اش جانی تازه بخشیده است.

توجه به هنرهایی چون شعر، موسیقی و نقاشی یکی از اصول تبلیغ دین مانی بوده است و ترکیب عناصر هنری یکی از عوامل جهان شمول شدن مانویت بود. آثار مانی و مانویان، کتب تاریخی و همچنین اشعار شاعران بزرگ، ما را بدین نکته واقف می‌سازد که مانی شخصی هنرمند و در عین حال دانشمند بوده است. جمیع روایات او را مردی صورت‌نگر، گویا و حکیم خوانده‌اند که البته در انتساب این صفات به وی جای تعجب باقی نمی‌ماند. در واقع مانی نخستین کسی بود که هنر را برای خدمت به مذهب به کار گرفت و در این امر موفق شد. (نقدی ۱۳۹۵: ۶).

مانویان معتقد بودند که علاقه و اشتیاق و احساس مسرت و شادمانی از هنر بازتاب مختصری از شادی و شکوه الهی است که در زندگی آتی یعنی در «بهشت نور» انتظار آنان را می‌کشد. مانی و پیروانش به نوشتن کتاب و رساله علاقه فراوان داشتند و برای ترویج و تبلیغ دین خود، آثارشان را به زبان‌های مختلف ترجمه می‌کردند. (زرشناس ۱۳۷۹: ۲۷).

شعر در جامعه مانوی از ارزش والایی برخوردار بوده است. فلسفه نجات و رستگاری، با زیباترین و عالی‌ترین صورت ممکن به وسیله نقاشان و شاعران خلاق و مبتکر مانوی در هنر و شعر به تصویر درآمده و به همین دلیل بخش عمده‌ای از ادبیات مانوی را سرودهای دینی تشکیل داده است. این سرودها از نظر ادبی اهمیت ویژه‌ای دارد و برای اهداف دینی سروده شده است و همراه با موسیقی در مراسم دینی خوانده می‌شد. مجموعه‌هایی از این سرودها به زبان‌ها فارسی میانه و پارتی و قطعاتی نیز به زبان سغدی در دست است. (زرشناس، ۱۳۷۹: ۳۳) سرودهای مانوی به زبان‌های ایرانی (فارسی میانه، پارتی و سغدی) را به‌طور کلی به دو دسته می‌توان تقسیم کرد؛ دسته نخست، سرودهای ستایشی، آیینی و سرودهای حاوی تلمیح یا اشاراتی به روایت اسطوره‌ای مانی از آفرینش؛ و دسته دوم، سروده‌هایی که با آن، بخشی از نور که در زندان ماده است، به تصویر کشیده می‌شود.

اشعار دسته نخست، به دلیل نداشتن پیوند با زندگی اجتماعی و تجربه‌های آشنای مادی، از توصیفات مادی به دور است چراکه جهان مادی خلق اهریمن است؛ اما در بخشی که از ایزدان و بهشت روشنی یاد می‌شود، شاهد توصیف‌هایی چون آرامش، ازلی بودن، شادی، بی‌اندوهی و زنده بودن هستیم. دسته دوم، سرودهای مربوط به جان است که به دلیل ارتباطی که با انسان پیدا می‌کند، بیشترین امکان را برای گوینده، در به کارگیری عنصر خیال و عاطفه فراهم کرده است. این اشعار در وهله نخست به توصیف نفس زنده می‌پردازد، یعنی آن بخش از نور که در زندان ماده گرفتار شده و رنج می‌کشد. اما دایره شمول آن تنها به این ایزد رنج‌بر محدود نمی‌شود. اشعار مربوط به جان انسان‌ها و شرایط دشوار او در این جهان؛ بزرگان دین از جمله مانی و پیامبران، مرثیه‌ها و سرودهای یادبود تا نمونه ازلی هرمزدیغ را در بر می‌گیرد. مشخصه سرودهای نفس زنده و البته دیگر سرودهای ذکرشده، «تناقض و بدل‌های خیره‌کننده» است. به این دلیل که نفس زنده، هم پاره‌ای از نوری است که تاریکی آن را در بند کشیده و در همان حال، خود نیز خدا است. خدایی که محبوس گشته و نیاز به رهایی دارد و چون با ایزدانی که برای نجات او می‌آیند، هم‌گوهر است، می‌توان آن‌را هم‌هدف کوشش ایزدان دانست و هم یکی از آنان. در واقع او نجات‌بخش نجات یافته است (Boyce, 1975:104). همین تناقض است که شعر عرفانی را تجلی‌گاه پروازهای خیال شاعران کرده و بستر کشف‌های جدید آنان را در حوزه‌های مختلف بلاغی فراهم آورده است. (آذرانداز، ۱۳۹۴: ۵)

مانویان به منظور انتقال بهتر و بیشتر مفاهیم و آموزه‌های دینی و عرضه افکار و عقاید خویش، در اشعار خود از صنایع لفظی و ادبی و صور خیال، خصوصاً تشبیه و مجاز بهره می‌بردند و از این نظر اشعار پارتی، که زبان قدیم خراسان است، دلکش‌تر شده است. نمونه‌هایی از این صنایع:

الف- تشبیه: تشبیه سرعت عروج مانی به آسمان به برق تیزرو و رؤیای زودگذر؛ تشبیه حرکت ایزد مهر از نظر سرعت به اندیشه که سوار برکشتی خورشید است؛ تشبیه لذتها و ظواهر دنیوی به غذای خوش طعم زهرآلود.

ب- مجاز: جواهرها (ذرات نور محبوس در جهان)؛ کبوتران سپیدبال (راهبه‌های مانوی سوگوار). گاهی برای تأکید، از تکرار یک کلمه یا کلمه مشتق از آن و یا از تکرار یک عبارت استفاده می‌شود. شیوه‌ای که در یشت‌های اوستا هم به کار برده شده است. و گاه از کلماتی که با یک آوا آغاز می‌شوند (جناس استهلالی) یا یک آوا در همه آن‌ها تکرار می‌شود، بهره گرفته‌اند. (تفضلی، ۱۳۸۶: ۳۵۱)

از این نکته نیز نباید غافل شد که مانی و پیروانش این اشعار را که در بهترین و والاترین الفاظ ادبی می‌سرودند، بر پوست‌های براق و تذهیب شده می‌نگاشتند. احتمالاً به کار بردن انواع نقاشی چینی بازمانده از مکتب مانی است. پیروان مانی نیز همانند پیامبر خود، عاشق زیبایی و جمال بودند و آن را در واقع راه رسیدن به حقیقت می‌دانستند. از زمان وی فن تجلید و تذهیب کتاب رونق گرفت و بعدها به دیگر کشورها راه یافت زیرا کاغذهای ساخت ایران در آن زمان مرغوبیت تام داشت و سرآمد انواع مشابه بود. (ضمیری، ۱۳۸۰: ۴۴)

نتیجه‌گیری

ادبیات جلوه‌گاه اندیشه، آمان، فرهنگ و تجارب و روحيات یک جامعه است و دین و دینداری نیز همواره از جایگاهی ویژه در جوامع بشری برخوردار بوده است. همان‌گونه که اولین رویارویی انسان با طبیعت، حس زیباشناختی او را برمی‌انگیزد و معرفت‌های ذوقی را در او قوت می‌بخشد، به همان اندازه آراستن دین به زیور ادب، معرفت‌زا و دیده‌گشا است. در آثار مانی، نظم که حاصل تعالی و توسعه ادب در هر دوره‌ای است، رکن اصلی سخن را تشکیل می‌دهد و بستر مناسبی را برای تبیین و تبلیغ تعالیم مانوی فراهم می‌آورد. شعر مانی سرشار از تشبیهات بدیع، کنایه‌های دلکش و جذاب است که در آن از نمادپردازی‌های ادبی و تمثیل و استعاره در کمال استادی بهره گرفته شده است. صورت بندی آموزه‌های مانوی در کالبد‌های ادبی، نه برای احتجاج‌های عقلی بلکه برای عرضه بصیرت فطری به مخاطب است.

فهرست منابع

- ۱ این ندیم، محمدبن اسحاق، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۱.
- ۲ این ندیم، محمدبن اسحاق، مانی به روایت این ندیم، ترجمه محسن ابوالقاسمی، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۹۰.
- ۳ اسماعیل پور، ابوالقاسم و مهرداد بهار، ادبیات مانوی، چاپ اول، تهران، نشر کارنامه، ۱۳۹۴.
- ۴ آذرانداز، عباس، آرایه‌های ادبی در اشعار مانویان ایرانی زبان، زبان شناخت، شماره ۱، از ۲۶ تا ۱، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۹۴.
- ۵ البری، سی. آر. سی، زبور مانوی، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۵.
- ۶ بویس، مری، بررسی ادبیات مانوی در متن‌های پارتی و پارسی میانه، ترجمه امید بهبهانی و ابوالحسن تهامی، چاپ دوم، تهران، انتشارات بندهش، ۱۳۸۶.
- ۷ بهار، مهرداد، ادیان آسیایی، ویراسته ابوالقاسم اسماعیل پور، چاپ هفتم، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۷.
- ۸ تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۶.
- ۹ جعفری، فرشته، نگاهی به عرفان مانوی و تطبیق آن با عرفان و تصوف اسلامی، پژوهشنامه عرفان، شماره ۱۲، از ۲۶ تا ۱، تهران، ۱۳۹۴.
- ۱۰ دکره، فرانسوا، مانی و سنت مانوی، ترجمه عباس باقری، چاپ دوم، تهران، نشر فرزانه، ۱۳۸۳.
- ۱۱ راسخی، فروزان، متون دینی آیین مانی، هفت آسمان، شماره ۱۲ و ۱۳، از ۱۶۹ تا ۱۸۴، قم، ۱۳۸۱.
- ۱۲ زرشناس، زهره، پیام آور نور و شعری در رثای او، ایران شناخت، شماره ۱۸ و ۱۹، از ۲۰ تا ۵۱، تهران، ۱۳۷۹.
- ۱۳ زرین کوب، عبدالحسین، نقد ادبی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲.
- ۱۴ ضمیری، محمدعلی؛ تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، چاپ هشتم، شیراز، نشر ساسان، ۱۳۸۰.
- ۱۵ میرعارفین، زهره، پیش درآمدی بر ادبیات دینی، پژوهش و حوزه، شماره ۳۳، از ۲۱۲ تا ۲۲۶، قم، ۱۳۸۷.
- ۱۶ میرفخرایی، مهشید، فرشته روشنی مانی و آموزه‌های او، چاپ دوم، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۷.
- ۱۷ نقدی، مجتبی، بازتاب مانویت در شرق و غرب، رشد آموزش تاریخ، دوره هجدهم، شماره ۲، از ۲۶ تا ۳۱، تهران، ۱۳۹۵.

18- Boyce, M, A Reader in Manichaeon Middle Persian and Parthian (Acta Iranica 9), Leiden , TÈHÈran, 1975.